

آفرینش، سقوط، رستگاری، بازسازی

موعظه ۵ سپتامبر ۲۰۲۱

کشیش کریس سیکس

امروز ما در حال شروع یک سری موعظه در مورد ازدواج هستیم. همسر عاقل من پیشنهاد کرد قبل از اینکه مستقیماً به آنچه کلام خدا در مورد ازدواج می گوید نگاه کنیم، شاید من بتوانم در مورد تصویر بزرگ داستان خدا موعظه کنم. بنابراین این کاری است که ما امروز انجام خواهیم داد. کتاب مقدس یک کتاب بزرگ است که یک داستان بزرگ را در چهار فصل بیان می کند.

فصل اول داستان خدا آفرینش است. در آغاز، خدا همه چیز را از هیچ ساخته است. و همه چیزهایی که او ساخت بسیار خوب بود. در باغ غذای زیادی وجود داشت. مردم در صلح با خدا زندگی می کردند. همچنین بین زن و شوهر - دو نفر اول در خلقت، صلح برقرار بود.

اما خیلی سریع، بدی وارد جهان شد. در زبان انگلیسی ما این فصل دوم را سقوط می نامیم. اولین گناه بشر سرکشی (بی اطاعتی) علیه پادشاهی خدا بود. شورشیان هم علیه پادشاه می جنگند و هم با یکدیگر می جنگند. به همین دلیل است که شورشیان نمی توانند در پادشاهی صلح جایی که خدا باغی ساخته بود بمانند.

داستان پایان غم انگیزی داشت، اما خدا برنامه خوبی داشت. فصل سوم رستگاری یا رستگاری نامیده می شود. خدای پدر خدا پسر را به زمین فرستاد تا به عنوان یک انسان متولد شود و یک زندگی کامل داشته باشد. او از مجازات یک شورشی رنج برد، تا شورشیانی مثل ما بتوانند پسر و دختر او شوند. رستگاری به ما زندگی تازه و امید به آینده ای بهتر می بخشد. اما ما دیگر در باغ نیستیم. ما زندگی های جدیدمان را در این دنیای قدیمی و شکسته می گذرانیم.

تا زمان مرمت

در حالی که ما در این جهان شکسته زندگی می کنیم، با امید به فصل ۴ در داستان خدا نگاه می کنیم.

روزی عیسی برمی گردد و ما را به بهشت می آورد.

در بهشت دیگر نه گناهی وجود خواهد داشت، نه اشکی، نه عصیانی

ما در آسمان و زمین جدید برای همیشه در صلح و شادی با خدا زندگی خواهیم کرد.

این چهار فصل داستان است.

ما با دو فصل اول در عهد عتیق آشنا می شویم.

سپس عهد جدید با تولد عیسی مسیح آغاز می شود.

عهد جدید درباره فصلهای سوم و چهارم به ما می گوید.

با هم، کتاب مقدس داستانی درباره یک طرح نجات است که خدا در طول داستان بزرگ خود روی آن کار کرده است.

برای پیغام امروز، می خواهیم به سرعت شما را در هر چهار فصل از داستان بزرگ خدا راهنمایی کنم.

ما قصد داریم بسیاری از مباحث کتاب مقدس را بررسی کنیم.

زیرا خداوند نویسنده داستان است.

او می تواند داستان را بهتر از من، از زبان خودش بگوید.

آیا قبل از شروع کار با من دعا می کنید؟

!روح القدس، لطفاً قلب و ذهن ما را به روی عیسی که کلمه زنده هست، باز کن

پدر، ما می خواهیم فرزندان و دختران مطیع، شادی که ثمر میاورند باشیم

لطفاً با استفاده از قوت روح، از کلام خودت استفاده کن تا ما را بیشتر شبیه عیسی کنی

ما به نام او دعا می کنیم

آمین

فصل ۱: آفرینش

داستان بزرگ خدا از یک باغ شروع می شود و در یک شهر به پایان می رسد.

امروز ما در وسط، بین باغ و شهر زندگی می کنیم.

برای درک زندگی امروز خود، باید به ابتدا بازگردیم.

به باغی که خدا ساخته است.

پیدایش فصل ۱ آیه ۱ تا ۳

در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید ۱

زمین، خالی و بی شکل بود، و روح خدا روی توده‌های تاریک بخار حرکت می‌کرد ۲
و خدا فرمود: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد ۳

در این آیات می بینیم که خداوند همه چیز را در آسمانها و زمین آفریده است.
ما همچنین می بینیم که هر سه شخص تثلیث در خلقت نقش دارند.
خدا روح آنجاست.
خدای پدر صحبت می کند.
خدا پسر کلمه زنده ای است که گفته می شود.

پس از ایجاد نور در روز اول، خدا آسمان و زمین را از هم جدا می کند.
او آسمان و دریا و خشکی را می سازد.
سپس خداوند هر یک از آن مکانها را با موجودی مناسب پر می کند.
پرنندگان برای آسمان.
ماهی برای دریا.
گیاهان و حیوانات برای زمین.
طرح خوبی است.
خلقت زیبایی است.
در مرحله بعد، خدا انسانها را از خلق خود لذت می برد.

پیدایش فصل ۱: ۲۶ تا ۲۷

و خدا گفت: «آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر ماهیان دریا و پرنندگان ۲۶
«آسمان و بهایم و بر تمامی زمین و همه حشراتی که بر زمین می‌خزند، حکومت نماید
پس خدا آدم را بصورت خود آفرید. او را بصورت خدا آفرید. ایشان را نر و ماده آفرید ۲۷

خدا ما را از جهات مختلف شبیه او کرده است.
البته ما با خدا برابر نیستیم.
اما ما سفیران او در روی زمین هستیم.
ما مانند مجسمه های زنده هستیم که به جهان یادآوری می کنند که خالق و پادشاه واقعی
کیست.
وقتی خدا ما را خلق کرد، دو نوع مختلف از انسان ها را خلق کرد.
او جنبه های مختلف تصویر خود را بین زن و مرد تقسیم کرد.
زن و مرد از نظر ارزش و کرامت برابرند.

پیدایش فصل ۱: ۲۸ تا ۳۱

و خدا ایشان را برکت داد و خدا بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید ۲۸ و در آن تسلط نمایید، و بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند، حکومت کنید»

و خدا گفت: «همانا همه علف‌های تخم داری که بر روی تمام زمین است و همه ۲۹ درختهایی که در آنها میوه درخت تخم دار است، به شما دادم تا برای شما خوراک باشد و به همه حیوانات زمین و به همه پرندگان آسمان و به همه حشرات زمین که در آنها ۳۰ حیات است، هر علف سبز را برای خوراک دادم.» و چنین شد و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود. و شام بود و صبح بود، روز ۳۱ ششم.

از آنجا که خدا ما را شبیه خود ساخته است، برخی از ویژگیهای خود را با ما در میان می‌گذارد.

خدا پادشاه است، اما به مردم اجازه می‌دهد تا بر زمین تسلط داشته باشند. آدم و حوا وظیفه دارند از باغ مراقبت کنند و از حیوانات برای اهداف خوب استفاده کنند.

خداوند همچنین به ما اجازه می‌دهد که در خلاقیت او سهیم باشیم.

خداوند دو نفر را آفرید، و سپس به آنها توانایی ایجاد تعداد بیشتری را می‌دهد.

در آیه ۲۹ می‌بینیم که گیاهان دانه دارند تا بتوانند تکثیر شوند.

گیاهان می‌توانند گیاهان بیشتری بسازند تا زمین را پر کنند.

خداوند نیز همین قدرت را در زن و مرد قرار داده است.

اما زن و مرد مثل گیاهان و حیوانات تولید مثل نمی‌کنند.

تولید مثل انسان با رابطه گره خورده است.

خدا دنیا را عاشقانه آفرید

خدا با آدم و حوا رابطه خوب، باز و عاشقانه داشت.

و وقتی زن و مرد عاشق هم شدند، متوجه شدند که می‌توانند جهان را با تصاویر بیشتری از خدا پر کنند.

ببایید اکنون به یک قسمت دیگر از فصل آفرینش نگاه کنیم.

پیدایش فصل ۲: ۸ تا ۹

و خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق عَرَس نمود و آن آدم را که سرشته بود، در ۸ آنجا گذاشت.

خداوند انواع درختان زیبا در آن باغ رویانید تا میوه‌های خوش طعم دهند. او در وسط ۹ باغ، «درخت حیات» و همچنین «درخت شناخت نیک و بد» را قرار داد.

در باغ آدم و حوا غذای فراوانی دارند.
آنها خوشحال و در امان هستند.
همه چیز آنطور که باید باشد بود.
هر کس جایی بود که باید باشد
تا زمانی سقوط اتفاق افتاد.

فصل ۲: سقوط

پیدایش ۳: آیه ۱ تا ۵

و مار از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. و به زن گفت: «آیا
«خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟
زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم ۲
،لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید ۳
»مبادا بمیرید
مار جواب داد: «این درست نیست شما نخواهید مرد ۴
بلکه خدا خوب می‌داند زمانی که از میوه آن درخت بخورید، چشمان شما باز می‌شود و ۵
»مانند خدا می‌شوید و می‌توانید خوب را از بد تشخیص دهید

بدی از طریق ناطاعتی به جهان می‌آید.
شیطان فرشته‌ای بود که نمی‌خواست از خدا پیروی کند، بنابراین بهشت را ترک کرد و
یک سوم فرشتگان را با خود برد
شیطان می‌خواهد این انسان‌های جدید نیز به او ملحق شوند.
شیطان به باغ می‌آید تا آدم و حوا را با دروغ گفتن بکارگیرد.
شیطان می‌خواست شبیه خدا شود.
و در آیه ۵ او به آدم و حوا وعده می‌دهد که اگر نافرمانی کنند و میوه را بخورند، می‌توانند
مانند خدا باشند.

پیدایش فصل ۳ آیه ۶

آن درخت در نظر زن، زیبا آمد و با خود اندیشید: «میوه این درخت دلیز است، می‌تواند ۶
خوش طعم باشد و به من دانایی ببخشد.» پس از میوه درخت چید و خورد و به شوهرش هم
داد و او نیز خورد.

به کلمات لذت و میل در آیه ۶ توجه کنید.

در خلقت، خدا به قوم خود هر آنچه را که می‌خواستند داد
آنها یک باغ غنی و دلپذیر و یک جهان کامل برای لذت بردن و کشف و پر کردن از کودکان
داشتند.

اما گناه قلب ما را بر چیزهایی که نداریم متمرکز می کند.
گناه باعث می شود که چیزهای ممنوع شده را بخواهیم، زیرا همه ما مانند نیاکان خود، آدم و حوا، سرکش هستیم.

به من نگو چکار کنم «این پیام در قلب هر انسانی است»
حالا بیایید ببینیم خدا چگونه ناطاعتی را مجازات می کند.

پیدایش فصل ۳: ۱۷ تا ۱۹

و به آدم گفت: «چونکه سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر ۱۷ فرموده، گفتم از آن نخوری، پس بسبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد.

از زمین خار و خاشاک برایت خواهد رویید و گیاهان صحرا را خواهی خورد ۱۸ تا آخر عمر به عرق پیشانیات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی ۱۹ گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت. آدم، زن خود را حوا (یعنی «زندگی» (نامید، چون او می بایست مادر همه زندگان شود ۲۰

آدم و حوا پس از خوردن از میوه، همه روابط آنها خراب شد.
این شورشیان می خواستند پادشاه و ملکه شوند، بنابراین رابطه آنها با خدا که پادشاه واقعی هست، آسیب دید.
خدا به آنها قدرت فرمانروایی بر روی زمین را داده بود، اما اکنون آنها درگیری با زمین را تجربه می کنند.

کار سخت می شود.

بیماری ها و بلاها، ایمنی و جان آنها را تهدید می کرد.

گناه همچنین به روابط بین آدم و حوا و فرزندان آنها آسیب رساند.

یکی از پسران آنها برادر خود را می کشد.

ما در عهد جدید در رساله رومیان تصویری وحشتناک از اینکه چگونه گناه انسان زندگی ما را خراب می کند، مشاهده می کنیم.

رومیان فصل ۱: ۲۸ تا ۳۲

پس همانطور که ایشان خدا را ترک کرده اند و حتی حاضر نیستند به وجود او اعتراف ۲۸ کنند، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده است تا هر آنچه به ذهن ناپاکشان خطور می کند، به عمل آورند.

زندگی آنان پر است از هر نوع شرارت و بدی، طمع و نفرت و حسادت، قتل و جدال ۲۹. دروغ و کینه و سخن چینی.

، غیبت از زبانشان دور نمی‌شود. ایشان دشمنان خدا هستند. با غرور و گستاخی ۳۰ خودستایی می‌کنند. همیشه بدنبال راههای تازه می‌گردند تا بیشتر گناه ورزند. هرگز مطیع والدین خود نمی‌شوند.

بی احساسند و بدقول و بی عاطفه و بی رحم ۳۱

با اینکه می‌دانند خدا برای چنین اعمالی، مجازات مرگ تعیین کرده است، نه فقط ۳۲! خودشان مرتکب آنها می‌گردند، بلکه دیگران را نیز به انجام این کارها تشویق می‌کنند

این همان خبر بد است.

هرکسی که امروز بیدار و آگاه است می‌داند که شکستگی در همه جا وجود دارد.

همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تمام رنج‌هایی که ما امروز در جهان می‌بینیم نتیجه شورش علیه خدا است که پولس در فصل ۱ رومیان توصیف می‌کند.

وقتی موجودات رابطه خود را با خالق خود قطع می‌کنند، همه چیز و همه کس خراب می‌شوند و آسیب می‌بینند.

چه کسی می‌تواند به این همه رنج پایان دهد؟

چه کسی می‌تواند این همه شکستگی را برطرف کند؟

فقط خدای واقعی است که در رابطه‌ای بی‌وقفه با خود وجود دارد.

سه فرد کامل، که در یک مجموعه گردهم آمده‌اند و ما به آنها تثلیث می‌گوییم متحد شده‌اند. آنها از ابتدا برنامه‌ای داشتند تا مطمئن شوند داستان خدا پایان‌خوشی خواهد داشت.

بیایید به فصل سوم نگاه کنیم.

فصل ۳: رستگاری

انجیل متی فصل ۳: ۱۳ تا ۱۶

پس از تعمید، در همان لحظه که عیسی از آب بیرون می‌آمد، آسمان باز شد و یحیی ۱۶ روح خدا را دید که به شکل کبوتری پایین آمد و بر عیسی قرار گرفت.

«آنگاه ندایی از آسمان در رسید که «این فرزند عزیز من است که از او خوشنودم ۱۷»

در اینجا دوباره هر سه عضو تثلیث را در حال کار می‌بینیم.

آنها در خلقت آنجا بودند.

و اکنون آنها با هم کار می‌کنند تا رستگاری را به ارمغان بیاورند.

رستگاری از کلمه بازخرید (فدیه) می‌آید.

رستگاری به معنای بازخرید یا رفع خرابی است.

این مأموریت عیسی بود.

”خدای پدر از عیسی پسر در آیه ۱۷ ”بسیار خوشحال است

بباید ببینیم چرا پدر خوشحال است.

انجیل متی فصل ۴ آیه ۱ تا ۴

آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان برد تا در آنجا شیطان او را وسوسه و آزمایش کند ۱
عیسی در آن زمان، برای مدت چهل شبانه روز روزه گرفت. پس در آخر بسیار گرسنه ۲
شد.

در این حال شیطان به سراغ او آمد و او را وسوسه کرد و گفت: «اگر این سنگها را ۳
تبدیل به نان کنی، ثابت خواهی کرد که فرزند خدا هستی»

اما عیسی به او فرمود: «نه، من چنین نخواهم کرد، زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید نان ۴
نمی‌تواند روح انسان را سیر کند؛ بلکه فقط کلام خداست که می‌تواند نیاز درونی او را
برآورده سازد.»

در اینجا شخصیت دیگری از فصل اول داستان را می‌بینیم.

شیطان با دروغ و وسوسه برمی‌گردد.

او می‌خواهد شورشیان بیشتری به هدف او بپیوندند.

اگر او بتواند خدا پسر را به پیوستن به او وادار کند، شیطان قدرت زیادی خواهد داشت.

اما شیطان نمی‌تواند بر عیسی تأثیر بگذارد.

عیسی وسوسه‌های شیطان را با کلام خدا پاسخ می‌دهد.

عیسی در برابر دروغ‌های شیطان آسیب پذیر نیست زیرا او در یک رابطه امن، قطع ناپذیر

و کامل با خدای پدر و روح القدس است.

با هم، سه نفر از تثلیث برنامه‌ای برای تعمیر آنچه خراب شده بود، داشتند.

تا ما را از گناه و مرگ نجات دهد.

اما برای انجام این کار، عیسی پسر باید به مرگ شورشی بمیرد تا بتوانیم زندگی جاودانه

دریافت کنیم.

انامه اول پطرس فصل ۳ آیه ۱۸

زیرا که مسیح نیز برای گناهان یک بار زحمت کشید، یعنی عادلانه برای ظالمان، تا ما ۱۸

را نزد خدا بیاورد؛ در حالیکه بحسب جسم مرد، لکن بحسب روح زنده گشت

از آنجا که عیسی زندگی کاملی داشت، فداکاری او برای پرداخت جریمه تمام گناهان ما کافی
بود.

او یک بار به خاطر گناهان ما رنج کشید.

منجی عادل برای شورشیان مجرمی مانند من و شما مرد

او را در مرگ گذاشتند تا ما زنده بمانیم.

رومیان فصل ۸ :آیات ۱ تا ۲

پس دیگر برای کسانی که در اتحاد با مسیح عیسی به سر می‌برند هیچ محکومیتی وجود ندارد،

زیرا فرمان حیات بخش روح القدس که در اتحاد با مسیح عیسی یافت می‌شود مرا از ۲ فرمان گناه و مرگ آزاد کرده است

شیطان همچنان به ما دروغ را زمزمه می‌کند

او می‌خواهد ما احساس محکومیت کنیم ، باور کنیم که رابطه ما با خدا خراب شده است

اما مانند عیسی ، ما می‌توانیم با کلام خدا در آیاتی مانند این تقویت شویم

اگر به بخشش به عیسی اعتماد کرده اید و معتقد هستید که مرگ او پرداخت کافی برای گناه شما بوده است، پس آزاد می‌شوید

این خبر خوب است! آیا باور می‌کنید؟

آیا می‌فهمید این آیات چه می‌گویند؟

به آزادی ای که خدا به همه کسانی که به عیسی ایمان دارند و او را پادشاه می‌خوانند و عده می‌دهد نگاه کنید

کولسیان کولسیان فصل ۱: آیات ۱۳ تا ۱۴

او ما را از چنگ نیرومند ظلمت رهانید و به پادشاهی پسر عزیزش منتقل ساخته است ۱۳

خدا به وسیله او ما را آزاد ساخته و گناهانمان را آمرزیده است ۱۴

بازخرید (فدیه)

این فصل سوم است

خدا قوم خود را از بردگی گناه خود باز می‌خرد

او شورشیانی مانند ما را از تاریکی به پادشاهی خود نجات می‌دهد

اکنون ما به عنوان شهروندان پادشاهی پسر زندگی می‌کنیم

اکنون رابطه ما با خدا احیا شده است

سالم است مثل این که در فصل اول در باغ بود

دوم قرننتیان فصل ۵ :آیات ۱۷ تا ۲۱

کسی که با مسیح متحد است حیاتی تازه دارد، هر آنچه کهنه بود در گذشت و اینک ۱۷

زندگی نو شروع شده است

این‌ها همه از طرف خدایی است که به وسیله مسیح ما را که قبلاً دشمنان او بودیم به ۱۸

دوستان خود مبدل کرده است و ما را موظف ساخت که به دشمنان دیگر او هم اعلام کنیم که

آنها نیز می‌توانند دوستان او بشوند

به عبارت دیگر خدا به جای اینکه گناهان انسان را به حساب آورد به وسیلهٔ مسیح با ۱۹ جهان مصالحه نمود و پیام این مصالحه را به ما سپرده است. پس ما سفیرانی از جانب مسیح هستیم و گویی خدا به وسیلهٔ ما شما را می‌خواند پس ما ۲۰ به عنوان سفیران مسیح از شما التماس می‌کنیم: با خدا مصالحه کنید مسیح کاملاً بی‌گناه بود، ولی خدا به خاطر ما او را بی‌گناه شناخت تا ما به وسیلهٔ اتحاد ۲۱ با او مانند خود خدا کاملاً نیک شویم.

آیا کلمه آفرینش را در آیه ۱۷ در آنجا می‌بینید؟ همان قدرتی که خداوند برای زنده کردن آدم به کار برد ، همان قدرتی است که به ما زندگی تازه می‌بخشد. وقتی از طریق عیسی با خدا آشتی کنیم ، روح ما دوباره متولد می‌شود.

اما جهان هنوز خراب است. ما اکنون بین باغ و شهر زندگی می‌کنیم. رابطه ما با خدا تعمیر شده است، اما روابط ما با طبیعت و دیگر مردم همچنان خراب است. ما با هم در جنگ هستیم. ما جنگ و جنایت و بیماری و بلایای طبیعی را تجربه می‌کنیم.

اما ما امید داریم. و ما به عنوان پیام‌آوران آشتی ، سفیران امید خدا هستیم. ما موریت ما به عنوان مسیحیان این است که خدا را دوست داشته باشیم ، یکدیگر را دوست بداریم و افراد زیادی را با خود به فصل پایانی برسانیم ، جایی که همه ما برای همیشه در بهشت در کنار هم خواهیم بود.

فصل ۴: مرمت

در آخرین کتاب انجیل ، یوحنا رسول به ما می‌گوید که پس از بازگشت عیسی چه اتفاقی می‌افتد تا همه پیروان خود را به خانه پدر خود در آسمان بیاورد.

مکاشفه مکاشفه یوحنا فصل ۲۱: آیات ۱ تا ۶
سپس زمین و آسمان تازه‌ای را دیدم، چون آن زمین و آسمان اول ناپدید شده بود. از دریا ۱ هم دیگر خبری نبود. و من، یوحنا، شهر مقدس اورشلیم را دیدم که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد. چه ۲ منظره با شکوهی بود! شهر اورشلیم به زیبایی یک عروس بود که خود را برای ملاقات داماد آماده کرده باشد!

از تخت، صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: «خوب نگاه کن! خانه خدا از این پس در میان ۳ انسانها خواهد بود. از این پس خدا با ایشان زندگی خواهد کرد و ایشان خلق‌های خدا خواهند شد. بله، خود خدا با ایشان خواهد بود».

خدا تمام اشکها را از چشمان آنها پاک خواهد ساخت. دیگر نه مرگی خواهد بود و نه ۴ «غمی، نه ناله‌ای و نه دردی، زیرا تمام اینها متعلق به دنیای پیشین بود که از بین رفت آنگاه او که بر تخت نشسته بود، گفت: «ببین! الان همه چیز را نو می‌سازم»! او به من ۵ گفت: «این را بنویس چون آنچه می‌گویم، راست و درست است. دیگر تمام شد! من الف و یا، و اول و آخر هستم. من به هر که تشنه باشد از چشمه آب ۶ حیات به رایگان خواهم داد تا بنوشد».

آیا این به شما امید نمی‌دهد؟

در دنیایی با این همه مرگ و گریه و درد، ما به امید نیاز داریم. آیا در آیه ۳ دلیل این را می‌بینید که در بهشت مرگ و گریه و دردی وجود نخواهد داشت؟ زیرا «محل زندگی خدا نزد انسان است». او با آنها ساکن خواهد شد و آنها قوم او خواهند بود و خود خدا نیز با آنها خواهد بود.

قبل از سقوط، آدم و حوا از صلح برخوردار بودند زیرا آنها با خدا در یک رابطه سالم زندگی می‌کردند. این رابطه سالم با خدا به این معنا بود که هر رابطه دیگری نیز سالم بود، با افراد دیگر و با خلقت.

در فصل دوم و سوم، همه چیز خراب است زیرا رابطه با خدا قطع شده است. اما در بهشت، همه چیز شکسته برطرف می‌شود، زیرا رابطه با خدا برای همیشه ثابت خواهد شد.

مکاشفه یوحنا فصل ۲۲: آیات ۱ تا ۵

آنگاه رودخانه آب حیات را به من نشان داد که مثل بلور، صاف و زلال بود. رودخانه از ۱، تخت خدا و «بره» جاری می‌شد.

و از وسط جاده اصلی می‌گذشت. دو طرف رودخانه، درختان حیات قرار داشت که سالی ۲ دوازده بار میوه می‌دادند یعنی هر ماه یک نوع میوه تازه. برگهایش نیز شفا بخش بود و برای درمان قومها بکار می‌رفت.

در شهر چیز بدی یافت نخواهد شد، چون تخت خدا و «بره» در آنجاست. خدمتگزاران ۳، خدا، او را پرستش خواهند کرد.

و رویش را خواهند دید و نامش روی پیشانی‌شان نوشته خواهد بود.

در آنجا دیگر شب نخواهد بود. احتیاجی هم به چراغ و خورشید نخواهد بود، چون خداوند ۵ بزرگ نور ایشان خواهد بود و ایشان تا ابد سلطنت خواهند کرد.

جان شهر خدا را توصیف می کند ، جایی که همه قوم نجات یافته خدا برای همیشه در آن زندگی خواهند کرد.

را می بینیم ” و ”درخت زندگی ” در آن شهر ”رودخانه آب حیات

رودخانه و درخت زندگی که در فصل یک در باغ بودند در فصل چهارم دوباره در شهر هستند.

داستان بزرگ خدا از زندگی به مرگ به امید و سپس دوباره به زندگی منتقل شد.

می دانم که باید چهار فصل را به سرعت طی کنم.

اما این روش خوبی برای درک کتاب مقدس است ، بنابراین ما در آینده دوباره به این مدل نگاه می کنیم.

امیدوارم امروز دلگرم شده باشید.

امیدوارم ببینید وقتی خداوند رابطه ما با او را از طریق عیسی ثابت می کند ، چگونه روابط ما را با یکدیگر ثابت می کند.

و امیدوارم پس از شنیدن همه برنامه های او برای نجات شما و بردن شما به خانه و زندگی برای همیشه با او ، کمی بیشتر عاشق او باشید.

لطفاً با من دعا کنید

پدر آسمانی ، از این تصویر بهشتی که به ما کمک می کند در این دنیای شکسته به زندگی ادامه دهیم ، سپاسگزاریم.

عیسی ، ما می خواهیم پیام آوران امید باشیم که به دیگران بشارت انجیل را می گویند.

روح القدس ، لطفاً ما را با شجاعت و قدرت برای عشق به خدا ، محبت به دیگران و پیروی از راه اطاعت در جاده بین باغ و شهر پر کنید.

تا زمانی که ما را به خانه بهشت نیاورید.

ما به نام عیسی دعا می کنیم.

آمین